



عدالت؛ پایان بخش تمام تعالیم الهی/ عدالت ورزی به مثابه مهارت

پایان بخش تمام تعالیم الهی عدالت است...

بهمن اکبری نوشت: پایان بخش تمام تعالیم الهی عدالت است «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا». امروزه بحث مهارت های زندگی گسترش یافته و باید عدالت ورزی را همچون مهارتی اساسی برای دین ورزی دانست.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: مقاله پیش رو یادداشتی از دکتر بهمن اکبری [۱]، محقق و پژوهشگر مطالعات اسلامی و عضو شورای علمی گفتگوی ادیان است که به مفهوم عدالت از دیدگاه امام علی، با تأکید بر مهارت عدالت ورزی پرداخته است؛ «امام علی(ع): «العدل حياة الاحكام» («الحياة»، ج ۶، ص ۴۰۴). زنده شدن دین و احکام دین به اجرای عدالت است».

مقدمه:

عدالت در يك سو به عنوان حق بزرگ بشری در چارچوب حقوق بشر قرار دارد و از آن به حق بر عدالت در نسل سوم حقوق بشر یاد می شود. از سوی دیگر، عدالت ورزی همچون مهارتی بنیادین برای نسل جدید در برنامه های آموزشی سامان گرفته است؛ چراکه محققان با استفاده از منابع علمی موجود و مستندات سازمان جهانی بهداشت و برنامه موجود در جهان، ۵۴ مهارت را برای سالم زیستن به عنوان مؤلفه های برنامه درسی تعیین کرده اند، که باید در برنامه آموزشی گنجانده شود.

اعتماد به نفس، خودآگاهی و همدلی، عدم تبعیض، احترام به تفاوت ها، مساوات، مردم سالاری، کارگروهی و مشارکتی، مذاکره و ارتباطات، تصمیم گیری، رفع اختلاف و حل مشکلات بدون خشونت، مقاومت در برابر فشار دیگران، تفکر خلاق، کنارآمدن با عاطفه و فشار روانی و ... در شمار آنهاست. به نظر نگارنده مهارت عدالت ورزی مهارتی مادر است که بسیاری از دیگر مهارت ها به آن بستگی دارد.

در این یادداشت به بهانه بزرگداشت نماد عدالت انسانی و روح بلند ستم ستیزی، حضرت امیر(ع)، درصدد تبیین «حق بر عدالت در گفتمان اسلامی» با تأکید بر مهارت عدالت ورزی هستیم. که پس از معنایابی عدالت در متون اسلامی به معرفی جلوه های پنداری، گفتاری و رفتاری عدالت خواهیم پرداخت.

مفهوم عدالت

عدالت در شمار یکی از پیچیده ترین مفاهیمی است که اندیشه بشری درباره آن به تأمل و تفکر پرداخته است. پیچیدگی مفهومی عدالت از يك سو و دشواری بسیار آن در تحقق عملی آن از سوی دیگر، عدالت را به مفهومی دست نیافتنی تبدیل کرده است، مفهومی که همچنان برای آدمیان دغدغه ای دائمی و بزرگ و آرزو و آرمانی فراگیر است. شاید در مورد کمتر موضوعی به اندازه عدالت گفت و گو شده باشد.

حضرت علی(ع) در کلامی کوتاه به سادگی درك مفهومی و سختی تحقق رفتاری عدالت اشاره می کنند: «العدل، اوسع الاشياء فی التواصف و اضيقها فی التناصف» عدالت در مقام توصیف بسیار فراخ است، در حالی که در مقام عمل (دادگری)، بسیار تنگ. در متون دینی اسلام نیز عدالت مفهومی ستایش شده و مورد تأکید است؛ همانگونه که ظلم بسیار مورد نکوهش است: در قرآن کریم بزرگترین پیام و فرمان خداوند برقراری عدالت است و نخستین عنوان دستور العملی الهی است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْقَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (سوره نحل آیه ۹۰) خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند؛ خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید.

این آیه منشور جهانی اسلام است که امام باقر(ع) آن را در خطبه های نماز جمعه می خواندند. به گفته تفسیر صافی؛ اگر در قرآن همین يك آیه بود، کافی بود که بگویم قرآن «تبیان کلّ شی» است. ولید بن مغیره، چنان جذب این آیه شد که گفت: شیرینی، زیبایی، محتوای آن، چنان است که نمی تواند کلام بشر باشد. عثمان بن مظعون می گوید با شنیدن این آیه، اسلام به عمق جانم نفوذ کرد و به دلم نشست. (تفسیر نور)

این آیه به طرح جامع ترین و کامل ترین برنامه زندگی برای جامعه و تمدن ها پرداخته و می فرماید: خدا مردم را به دادگری و رعایت عدل و انصاف در زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی و ... - که از هر گونه افراط و تفریط و تندروی و کوتاهی به دور باشد - فرمان می دهد. (تفسیر مجمع البیان)

و پایان بخش تمام تعالیم الهی عدالت است: «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبْدَل لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (سوره انعام آیه ۱۱۵) کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حدّ تمام رسید؛ هیچ کس نمی تواند کلمات او را دگرگون سازد؛ و او شنونده داناست. همچنین در ویژگی ماموریتی، پیامبر اسلام(ص) می فرماید: «وَأُمِرْتُ لِأَعْدَلَ بَيْنَكُمْ» (سوره شوری آیه ۱۵) مأمورم تا در میان شما عدالت را جاری سازم؛

جلوه های عدالت

این عدالت در مقام ظهور و تجلی جلوه هایی دارد:

جلوه های پنداری: عدالت در پندار و انگار(حق جویی)؛

از يك سو؛ «عدل» دوری از افراط و تفریط است که هم در عقاید مطرح است و هم در رفتار شخصی و جامعه. «عدل» در نظام آفرینش، رمز پایداری آن است. (بالعدل قامت السموات والارض) و در نظام تشریع سرلوحه دعوت همه انبیاست. از سوی دیگر؛ جوهر عدالت، حق است؛ اساس هستی بر عدالت بنا شده است و خداوند آن را بر پایه حق آفریده است. حق مظهر راستی، پایداری و عدالت است و هیچ واژه دیگری همانند حق نمی تواند عصاره عدالت و راستی را نشان دهد.

جلوه های گفتاری: عدالت گفتاری (صدق)

صداقت، تجلی عدالت در گفتار است، دروغ گویی ظلم به خود و دیگران است که از يك نگاه حق الله را ضایع ساخته و در صورت آسیب دیدن دیگران، حق الناس نیز ضایع می شود.

قرآن می فرماید: «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى» (سوره انعام آیه ۱۵۲) و هنگامی که سخنی می گوئید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان [شما] بوده باشد. معصوم می فرماید: «قُلْ مَا يَنْصِفُ اللّٰسَانُ فِی نَشْرِ قَبِيحٍ أَوْ إِحْسَانٍ» خیلی کم می شود زبان آدمی انصاف داشته باشد.

جلوه های رفتاری: عدالت رفتاری (اعتدال و میانه روی، عدالت و مدارا)

ادیان الهی در صدد اصلاح آدمی در سه ساحت بینش و گرایش و رفتار برآمده اند؛ عدالت نیز از سطح عدالت ورزی گرایشی و بینشی باید به سطح عدالت کنشی (رفتاری) برسد؛ بنابراین رفتار عادلانه تجلی حق گرایی و ظلم ستیزی آدمی است.

امروزه که بحث از مهارت های زندگی گسترش یافته است؛ می بایستی عدالت ورزی را همچون مهارتی اساسی برای دین ورزی دانست و آن را تعمیق و گسترش بخشید. به عنوان نمونه می توان از چند مهارت رفتاری در زمینه عدالت سخن گفت:

۱) مهارت عدالت در حاکمیت

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (سوره نساء آیه ۵۸) خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید!

در حکومت اسلامی، مسوول خوب را باید با عدالت شناخت. هر که عادل تر باشد، در بین مردم محبوب تر است، از این رو مولای متقیان علی (ع) شهید ماه ضیافت می فرماید: «و ان افضل قره عين الولاه، استقامه العدل في البلاد». اقامه عدل در جامعه، بهترین نور چشمی مدیران و حاکمیت است. از طرف دیگر، عدالت سبب توانمندی و پایداری حکومتهاست و امنیت مردم را تضمین می کند و موجب آرامش حاکمان است. [۲]

۲) مهارت عدالت در برقراری صلح

عدالت برتر از صلح است (مصالحه عادلانه باشد)،

فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ (سوره حجرات آیه ۹) در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛

۳) مهارت عدالت در دشمنی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (سوره مائده آیه ۸) ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترك عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از [معصیت] خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می دهید، با خبر است.

امام علی (ع) فرمود: «لعدوك عدلك و انصافك» عدالت و انصاف را با دشمن هم فراموش نکن.

۴) مهارت عدالت در روش (میانه روی و اعتدال)

در بیانی از امام علی (ع)، شهید ماه ضیافت، عدل را پایه سوم ایمان شمرده اند. [۳] عدل قرار گرفتن هر چیزی در جای خود است. معنای لغوی عدل هم یعنی میانه. اعتدال هم از این واژه است؛ یعنی در جای خود، بدون افراط و بدون تفریط؛ بدون چپ روی و بدون راست روی. یعنی وقتی هر چیز در جای خود قرار گرفت، همان تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به وجود می آید. عدل و اعتدال در همه مظاهر وجودی مسلمان باید ظهور یابد؛ عدل در رفتار انسان، عدل در رفتار حکمران، عدل در موضعگیری، عدل در اظهار محبت و نفرت و...

کسی کو میانه گزیند ز کار/ پسند آیدش گردش روزگار

در هر امری، افراط و تفریط بد است و قرآن در همه زمینه ها اعتدال و میانه روی را توصیه می کند: «واقصد فی مشیک و اغضض من صوتک ان انکر الاصوات لصوت الحمیر» [۴] خط مشی تو هم در سلوك معنوی و هم در راه ظاهری و هم در طریق زندگی معتدل باشد، نه افراط و تندوری در آن باشد و نه تفریط و کندروی؛ همچنین با صدای بلند حرف نزن، زیرا بدترین صدا، صدای حمار است. نیز امت اسلامی را امتی معتدل معرفی می کند: «و كذلك جعلناكم أمة وسطا لتكونوا شهداء على الناس» [۵] ما شما را امت متوسط و میانه قرار دادیم تا شاهد و اسوه دیگران باشید.

از مواعظ پیامبر (ص) است که می فرمود: خدا بیمارزد و رحمت کند کسی را که خیری پیش بفرستد و از روی اعتدال و میانه روی، اتفاق کند. (اتَّقَ قَصْدًا) راست بگوید و مالک انگیزه های شهوانی، نه اسیر آنها، باشد. از فرمان نفس سر باز زند تا نفس بر او حاکم نشود. [۶]

در نهج البلاغه در ترسیم سیمای پارسایان و به عنوان دومین فضیلت مهم آنان می خوانیم:

«و مَلَبَسُهُمُ الْإِقْتَصَادُ» [۷] «اقتصاد» از ریشه «قصد» به معنای میانه روی است و اعتدال در هر چیزی را شامل می شود. تعبیر به «ملبس» در این جمله اگر در معنای حقیقی به کار رود، اشاره به همان لباس ظاهری است که باید نه اسراف و تبذیر در آن باشد

و نه سخت گیری و خساست، همان گونه که بسیاری از شارحان نهج البلاغه فهمیده اند. اما اگر به قرینه آیاتی که لباس را در معنای کنایی وسیع به کار برده است؛ مانند (وَلْيَأْسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ حَيْرٌ) [۸] و (وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْإِيلَ لِبَاسًا) [۹] و (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ) [۱۰] معنای لباس را منحصر در پوشش ظاهری ندانیم، مفهوم گسترده ای پیدا می کند که همه زندگی انسان را شامل می شود؛ یعنی اعتدال و میانه روی تمام زندگی آنان را در برگرفته و همچون لباسی است بر قامت آنان.

همان گونه که در جمله سوم این خطبه، تعبیر به «مَشْيُهُمُ التَّوَّاضُّعُ» تنها اشاره به راه رفتن ظاهری نیست، شامل همه رفتارهای پارسایان است. [۱۱] و در ادامه خطبه به تعبیر «قَصْدًا فِي غِنَى» اشاره شده است؛ پارسایان اگر غنی و ثروتمند شوند اعتدال و میانه روی را فراموش نمی کنند و از اسراف و تبذیر، پرهیز دارند.

امام علی (ع) در ترسیم سیمای پیامبر می فرماید: وَ أَمَرَ بِالْقَصْدِ [۱۲] به میانه روی دستور داد و در کلام دیگر؛ «سِيرَتُهُ الْقَصْدُ» [۱۳] می فرماید. این جمله تفسیر آیه «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» و اشاره به اعتدال سیره پیامبر و دوری او از هرگونه افراط و تفریط در تمام زمینه های عبادی و اخلاقی و سیاسی و اقتصادی بود.

در توجه به دنیا و آخرت و یا روان و تن نیز باید جانب اعتدال را نگهداشت؛ مسلمانان، نه مانند گروهی اند که فقط جانب روح را تقویت می کنند و رهبانیت و رها ساختن کمالات جسمی را فرا می خوانند و نه مانند گروهی که جانب جسم را می گیرند و جز زندگی دنیا و زخارف آن چیزی طلب نمی کنند؛ بلکه امت میانه اند تا گواه بر مردم باشند. [۱۴] در بیان نبوی است: معتدل باشید، تا دل های شما به هم نزدیک شود. [۱۵]

۵) مهارت عدالت در نگارش سند

برای حفاظت از حقوق مردمان و برقراری آرامش روحی و جلوگیری از فراموشی و انکار و سوءظن باید معاملات و یا هرگونه داد و ستد میان افراد نوشته شود؛ برای ایجاد اطمینان و حفظ قرارداد از هر گونه دخل و تصرف احتمالی، سند باید با حضور طرفین و به دست شخص سوم تنظیم شود و در این جهت کم یا زیاد بودن مورد معامله اهمیت ندارد [۱۶] بلکه باید تمام مآوقع ثبت شود. زیرا نگارش و ثبت اسناد، ضامن اجرای عدالت [۱۷] و موجب جرئت گواهان بر شهادت [۱۸] و مانع ایجاد بدبینی در جامعه است. [۱۹]

از این رو و باید نویسنده ای از روی عدالت، [سند را] در میان شما بنویسد. او باید حق را در نظر گرفته و عین واقع را بنویسد. [۲۰]

۶) مهارت عدالت در املاء سند

فَلْيُمْلِلْ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ (سوره بقره آیه ۲۸۲)

اگر طرف معامله فاقد شرایط انعقاد قرارداد و یا هرگونه تعهد الزام آور باشد، باید ولی او [به جای او] با رعایت عدالت، موضوع قرارداد را املا کند.

پانوشت ها:

[۱] محقق و پژوهشگر مطالعات اسلامی؛ عضو شورای علمی گفتگوی ادیان و رایزن سابق فرهنگی ج ۱۱ در کشورهای ازبکستان و تانزانیا

[۲] به قول فردوسی:

چو خشنود داری جهان را به داد / توانگر بمانی و از داد شاد

گر ایمن کنی مردمان را به داد / خود ایمن بخشی و از داد شاد

همه داد کن تو به گیتی درون / که از داد هرگز نشد کس نگون

[۳] نهج البلاغه؛ حکمت سیام

[۴] سوره لقمان، آیه ۱۹.

[۵] سوره بقره، آیه ۱۴۳.

[۶] عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فِي بَعْضِ خُطْبِهِ وَمَوَاعِظِهِ: ... رَحِمَ اللَّهُ أُمَّرَاءَ قَدَمَ حَيْرًا، وَ اتَّقَ قَصْدًا، وَ قَالَ صِدْقًا، وَ مَلَكَ دَوَاعِيَ شَهْوَتِهِ وَ لَمْ تَمْلِكْهُ، وَ عَصَى أَمْرَ تَقْسِيهِ فَلَمْ تَمْلِكْهُ. (بحار، ج ۷۴، ص ۱۷۹)

[۷] نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۳

[۸] اعراف، آیه ۲۶.

[۹] فرقان، آیه ۴۷.

[۱۰] بقره، آیه ۱۸۷.

[۱۱] نك؛ مكارم شيرازی؛ ترجمه و شرح نهج البلاغه

[۱۲] او حق را آشکار و برای مردم خیرخواهی کرد و آنان به سوی کمال، هدایت نمود و به میانه روی، فرمان داد. (نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۵).

[۱۳] نهج البلاغه؛ خطبه ۹۴؛ سِيرَتُهُ الْقَصْدُ، وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ، وَ كَلَامُهُ الْقَصْلُ، وَ حُكْمُهُ الْعَدْلُ

[۱۴] جوادی آملی؛ انتظار بشر از دین؛ ص ۱۷۲

[۱۵] قَالَ النَّبِيُّ (ص): اسْتَوْوَا. تَسْتَوْوَا قُلُوبَكُمْ (کنز العمال، ح ۲۰۵۷۵)

[۱۶] وَ لَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا

[\[۱۷\]](#) اُقْسَطْ عِنْدَ اللَّهِ

[\[۱۸\]](#) اَقُومُوا لِلشَّهَادَةِ

[\[۱۹\]](#) ادْنِیْ اِلَّا تَرْتَابُوا

[\[۲۰\]](#) وَلَیْکُنْ بَیْنَكُمْ کَاتِبٌ بِالْعَدْلِ (سوره بقره آیه ۲۸۲): این آیه ، بزرگ ترین آیه قرآن است که درباره مسائل حقوقی و مقررات تنظیم اسناد است.